

روستا و توسعه، سال ۲۳، شماره ۹۰، تابستان ۱۳۹۹

DOI: 10.30490/RVT.2020.283774.1053

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت زنان در معیشت جامعه روستایی (مطالعه موردی: استان خراسان شمالی)*

علیرضا محسنی تبریزی^۱، غلامرضا غفاری^۲، هوشنگ نایبی^۳، محمد عفتی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱

چکیده

هدف کلی تحقیق حاضر تبیین میزان مشارکت زنان در معیشت خانوارهای روستایی و شناسایی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر آن بود؛ و بدین منظور، از روش پیمایشی و آزمون‌های همبستگی و تحلیل چندمتغیره استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل زنان

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری است.

۱- استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (mohsenit@ut.ac.ir)

۲- دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (ghaffary@ut.ac.ir)

۳- دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (hnayebi@ut.ac.ir)

۴- نویسنده مسئول و دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران،

ایران. (efati500@yahoo.com)

روستایی دو شهرستان گرمه و جاجرم در استان خراسان شمالی بود که از آن میان، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۱۶۷ نفر انتخاب شدند. داده‌ها و اطلاعات لازم با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد. نتایج تحقیق نشان داد که علی‌رغم مشارکت قابل ملاحظه زنان روستایی در فعالیت‌های معیشتی خانوار (۱۸/۴ درصد زراعی، ۴۳/۲ درصد باغی، ۴۱/۱ درصد دامی، ۷۲ درصد طیور، ۷۶/۱ درصد مشاغل خانگی درآمدزا، ۶۰ درصد صنایع دستی و ...)، میزان برخورداری آنها از عواید و دارایی‌های معیشتی خانوار در سطح پایین است (حدود ۹/۳ درصد)؛ همچنین، سن، میزان تحصیلات، میزان سوگیری جنسیتی فرد (کلیشه‌های جنسیتی)، میزان میل به پیشرفت، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، وضعیت اقتصادی خانوار، میزان برخورداری روستاها از امکانات توسعه‌ای و فاصله روستا تا شهر در قالب عوامل فردی، اجتماعی و خانوادگی از تأثیر قابل ملاحظه بر مشارکت زنان در معیشت خانوارهای روستایی مورد مطالعه برخوردارند.

کلید واژه‌ها: زنان روستایی، معیشت، مشارکت، نقش زنان.

مقدمه

بر اساس بررسی‌های انجام شده در ایران، در حال حاضر، برخی از زنان روستایی در مزرعه کار می‌کنند و بسیاری از آنها نیز به فعالیت‌های درآمدزای غیرکشاورزی روی آورده‌اند. زنانی هم هستند که هم فعالیت کشاورزی دارند و هم به فعالیت‌های غیرکشاورزی می‌پردازند. همچنین، شواهد بسیار زیادی در دست است که زنان نقش عمده در تنوع‌بخشی به معیشت خانوارهای روستایی ایفا می‌کنند؛ در همین حال، اکثریت آنها فعالیت‌های غیرتولیدی خانوار (مانند خانه‌داری و ...) را نیز برعهده دارند (Lahsaeizadeh et al., 2005; Fanni, 1997; Effati, 1995; Shaditalab and Kamali, 2002). علی‌رغم این نقش، اعتقاد بر آن است که میزان دسترسی و کنترل زنان بر زمین، دارایی‌ها، اعتبارات و ... ناچیز بوده و در نتیجه، حضور آنها در تصمیم‌گیری‌های عمده معیشتی خانوار و روستا نیز کم‌رنگ‌تر است (Lahsaeizadeh et al., 2005; Effati, 1995). بنابراین، با فرض

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت زنان در.....

آنکه معیشت دربرگیرنده قابلیت‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌های مورد نیاز افراد برای نیل به یک زیست شایسته است - که در آن، ضمن ایفای نقش مؤثر افراد در امرار معاش، موجبات حفظ یا تقویت دارایی‌ها، قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و فرصت‌های برابر و عادلانه برای همه افراد جامعه فراهم شود (Chambers and Conway, 1991)، به نظر می‌رسد که زنان روستایی با نوعی چالش در برخی مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف معیشت (فرصت‌های برابر برای دسترسی به عواید و منابع معیشتی و ...) مواجه‌اند.

در ایران، از دیرباز، مشارکت زنان روستایی در معیشت جامعه روستایی همواره چشمگیر بوده است (Lahsaeizadeh et al., 2005; Fanni, 1997; Effati, 1995; Shaditalab and Kamali, 2003). آنها، علاوه بر انجام کار خانگی، در مزرعه و بسیاری از فعالیت‌های معیشتی دیگر در کنار مردان کار می‌کنند. با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فناورانه پدید آمده، به نظر می‌رسد که این نقش و میزان مشارکت زنان دچار تغییراتی شده است. این تغییرات، همچنین، پدید آمدن فرصت‌ها و چالش‌هایی جدید برای زنان در مناطق روستایی را موجب شده است. اهمیت نقش مشارکت زنان به گونه‌ای است که ابعاد مختلف آن در مطالعات زیادی بررسی شده، که برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- پیشینه پژوهش

پژوهشگر	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
قنبری و همکاران (Ghanbari et al., 2012)	شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی در منطقه شهرستان فریدون شهر اصفهان	متغیرهای تعداد دام، میزان مالکیت، شرکت در کلاس‌های آموزشی، بُعد خانوار و سن با میزان مشارکت رابطه مثبت و معنی‌دار دارند. مهم‌ترین موانع مشارکت زنان نیز وضعیت تأهل، ممانعت مردان و تخصصی نبودن آموزش‌ها بوده است.
نوروزی و بختیاری (Noroozi and Bakhtiari, 2009)	مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن	سن، طبقه اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی، اعتماد، ساختار خانواده، رسانه‌های گروهی و تقدیرگرایی رابطه معنی‌دار با میزان مشارکت اجتماعی داشته‌اند.
قادرزاده و یوسفوند (Ghaderzadeh and Yousefvand, 2012)	عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در مشارکت مدنی زنان	مشارکت مدنی زنان، به ترتیب شدت، دارای رابطه با متغیرهای میزان منابع در دسترس زنان، گستره روابط اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، وضع تأهل و سن است. این متغیرها، در مجموع، ۵۴ درصد از تغییرات مشارکت مدنی زنان را تبیین می‌کنند.

پژوهشگر	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
محسنی تبریزی و همکاران (Mohseni Tabrizi et al., 2016)	تبیین جامعه‌شناختی صور مختلف مشارکت در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن	متغیرهای اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی، رسانه‌های جمعی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی با مشارکت رابطه معنی‌دار دارند.
اتیوا (Anyoha, 2011)	عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه در نیجریه	متغیرهایی از قبیل سن، سطح تحصیلات، سابقه، شغل، اندازه خانوار و پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد تأثیر زیادی در مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های توسعه روستایی داشته و همچنین، عضویت در سازمان‌های اجتماعی و طرز تلقی مذهبی افراد دارای ارتباط معنی‌دار با مشارکت آنها در برنامه‌های توسعه بوده است.
دلاکیان و بختاوریان (Dallakyan and Bakhtavoryan, 2012)	تأثیر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوار و ارتباط آن با معیشت زنان روستایی مشارکت‌کننده در نیروی کار ارمنستان	ویژگی‌های فردی زنان از قبیل سن، تسلط به زبان انگلیسی، میزان تحصیلات و وضعیت ازدواج افراد اثرات معنی‌دار بر مشارکت نیروی کار زنان روستایی داشته است.
بیریکتی و همکاران (Birikti et al., 2014)	عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در مدیریت در کشور اتیوپی	متغیرهای شکاف آموزشی، نبود تشکلی، وجهه نظر اجتماعی-فرهنگی موجود، سلطه و حاکمیت مردان و عدم دسترسی به اطلاعات تأثیر زیادی در مشارکت زنان در مدیریت داشته است.
سینگ و همکاران (Singh et al., 2015)	عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی در هند	متغیرهایی از قبیل میزان تحصیلات، تجربه کشاورزی، وضعیت اقتصادی، سابقه مشارکت، منبع اطلاعات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سطح آرزوها، گرایش به کشاورزی و تجربه کشاورزی افراد مورد بررسی بر میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های مربوط به کشاورزی تأثیر معنی‌داری داشته‌اند.
جیسا و همکاران (Jebessa et al., 2015)	عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در مدیریت در نیجریه	متغیرهای فقدان انگیزه در خانواده، جامعه، دولت و سازمان‌ها، فقدان شبکه اجتماعی، سطح پایین آموزش و کیفیت پایین آموزش حرفه‌ای، فقدان تجربه، نوع نقش، تعهدات خانوادگی، اعتماد اجتماعی، فرآیند اجتماعی شدن، ارزش‌ها، عقاید و برخی هنجارهای اجتماعی بر مشارکت زنان روستایی در مدیریت در نیجریه مؤثرند.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مروری بر پیشینه پژوهش‌ها در ایران و جهان نشان می‌دهد که در زمینه موضوع پژوهش حاضر (شناسایی مشکل و عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان در معیشت)، تحقیقات داخلی مدون و جامع انجام نشده است. بنابراین، پی بردن به چگونگی مشارکت زنان روستایی در معیشت و اینکه چه عواملی بر آن مؤثر است، اهمیت ویژه دارد. شایان یادآوری است که در ارتباط با مشارکت روستاییان به صورت عام تحقیقات زیادی انجام شده که در آنها، به عوامل متعدد اشاره شده است. این عوامل دربرگیرنده سه سطح خرد، میانی و کلان است. در سطح خرد، ویژگی‌های فردی و در سطح میانی، ویژگی‌های خانوادگی و در سطح کلان نیز ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی بر مشارکت تأثیر دارند. بنابراین، «پی بردن به میزان و چگونگی مشارکت زنان روستایی در معیشت خانوار» و «شناسایی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان روستایی» از جمله اهداف مهم تحقیق حاضر است. زنان روستایی در استان خراسان شمالی برای کمک به اقتصاد خانوار همواره در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری نقش پررنگ داشته‌اند. طی سال‌های اخیر، میزان مشارکت و نوع ایفای نقش زنان روستایی با تغییرات اقتصادی-اجتماعی دچار دگرگونی شده و از این رو، مطالعه در این خصوص حائز اهمیت است.

مبانی نظری تحقیق

برداشت‌های متعددی از مفهوم مشارکت وجود دارد. این برداشت‌های متفاوت منجر به تعدد تعاریف مشارکت و دسته‌بندی انواع مشارکت توسط صاحب‌نظران مختلف شده است. آنچه در حال حاضر، از مفهوم مشارکت رایج است، نگاه به مشارکت و مؤلفه‌های مختلف آن به عنوان اهداف توسعه است. در این برداشت جدید از مشارکت، نگاه «ابزاری» و «از بالا به پایین» در برنامه‌ریزی و بسیج جامعه محلی دچار تحول شده است و به مشارکت به عنوان یک جریان خودجوش، محلی، همه‌جانبه و فعال همه انسان‌ها به‌ویژه افراد حاشیه‌ای و تهیدست در همه عرصه‌های زندگی نگریسته می‌شود.

نظریه پردازان مشارکت از جمله «میسرا» مشارکت را رشد توانایی اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم گیری و عمل سنجیده می‌داند (Effati, 1995). الغنمی (Alghanmi, 1993) مشارکت را در مفهوم توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی به نفع تهیدستان مورد توجه قرار داده است. بویل (Boyle, 1995) مشارکت را برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه، به معنی افزایش درک و توان آنها برای پاسخ‌گویی به طرح‌های توسعه و نیز تشویق ابتکارات محلی می‌داند. گاتوتری (Gaotri, 1990) مشارکت را فرآیندی عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی دانسته که هدف آن کشاندن مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است. به باور او کلی و مارسدن (Oakley and Marsden, 1991)، مشارکت در مفهوم گسترده آن به معنی برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه، افزایش درک و توان روستاییان برای پاسخ‌گویی به طرح‌های توسعه و نیز تشویق ابتکارات محلی است.

آنچه در حال حاضر، در زمینه مشارکت در معیشت مطرح شده، بر این باور متمرکز است که علت فقر مردم، گذشته از نداشتن منابع و امکانات مادی، منزوی ماندن یا دور نگه داشته شدن آنها و فقدان نفوذشان در عواملی است که بر زندگی و معیشت آنها تأثیر می‌گذارند. برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که در توسعه، به منظور توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر برای ایفای نقش مؤثر در توسعه محلی، باید به آنها توجه ویژه شود. با توجه به گستردگی دامنه مشارکت و گستره فضای مفهومی آن و همچنین، دیدگاه‌های موجود در زمینه مشارکت، محققان تلاش کرده‌اند که میزان مشارکت را سطح‌بندی و درجه‌بندی کنند. این درجه‌بندی از پایین‌ترین درجه یعنی، مشارکت جزئی مردم تا بالاترین مرحله یعنی، واگذاری قدرت به مردم محلی و توانمندسازی آنهاست.

از معیشت نیز تعاریف و برداشت‌های گوناگون شده است. آنچه همگان بر آن توافق دارند، این است که معیشت به معنی زیستن، توانایی‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌هایی است که برای گذران زندگی مورد نیاز است. به باور چمبرز و کانوی (Chambers and Conway, 1991)،

معیشت عبارت است از مجموع ظرفیت‌ها، دارایی‌ها (منابع، مطالبات) و نحوه دسترسی مردم به آنها. همچنین، به عقیده آنها، نوع نگاه جدید به توسعه باعث شد که به تدریج سه مفهوم جدید وارد ادبیات توسعه شود؛ این سه مفهوم عبارت‌اند از توانایی‌ها^۱، عدالت^۲ و پایداری^۳، که روابط به هم پیوسته دارند و هدف توسعه را تشکیل می‌دهند. از نظر چمبرز و کانوی، توانایی‌ها، عدالت و پایداری در مفهوم معیشت پایدار با هم ترکیب می‌شوند. توانایی‌ها (قابلیت‌ها) هم هدف و هم وسیله معیشت است. معیشت شرایط را برای تقویت و شکوفایی توانمندی‌ها فراهم می‌سازد؛ عدالت نیز هم هدف و هم وسیله است. هر تعریفی از عدالت حداقل باید دربرگیرنده معیشت مناسب و شایسته برای همه باشد (به‌عنوان هدف) و عدالت در دارایی‌ها و دسترسی‌ها نیز پیش شرط معیشت مناسب و شایسته است (به‌عنوان وسیله). همچنین، پایداری می‌تواند هم هدف و هم وسیله یا ابزار توسعه باشد. پایداری منابع در نوع خود یک ارزش است (به‌عنوان هدف) و این پایداری، شرایط را برای معیشت پایدار نسل‌های آینده فراهم می‌کند (به‌عنوان وسیله).

مروری بر خاستگاه اصطلاح «مشارکت» حاکی از آن است که این اصطلاح از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران اجتماعی و سیاسی بوده است. از جمله نگاه‌هایی که در مشارکت مطرح شده، عبارت‌اند از: ابزاری برای خودشکوفایی، حامی تکثرگرایی در جوامع توده‌ای، عنصری تسهیل‌کننده برای وحدت اجتماع محلی، جایگزینی برای پیوندهای تضعیف‌شده خانواده و کلیسا، و عامل جامعه‌پذیری سیاست‌ها و نظام‌های دینی غالب. به باور اولسن^۴، نظریه مشارکت اجتماعی حاصل ایده کثرت‌گرایی اجتماعی^۵ است که نظریه پردازانی چون توکویل، ترومن، رابرت دال، لیپست و نیزیت آن را توسعه داده‌اند. علاوه بر نکات یادشده، تغییر در پارادایم‌های توسعه نیز موجب بسط اندیشه‌های مشارکت شده است (Ghaffari and Niazi, 2006). تغییر در رویکردهای مبتنی بر جنبه‌های کمی و اثبات‌گرا به

1. capabilities
2. equity
3. sustainability
4. Olsen
- 5 Social pluralism

ابعاد کیفی و تفهیمی زندگی بشر نیز بر مشارکت بی‌تأثیر نبوده است. نارسایی گفتمان اثباتی در قرن هجدهم موجب نوعی تجدید نظر در شیوه‌های شناخت و نوع نگاه به انسان و جامعه و نیروهای اجتماعی شد، نگاهی که به تحول در عرصه روش‌شناسی تحقیق از کمی به کیفی نیز منجر شد. از سوی دیگر، تجارب حاصل از رویکردهای مرسوم توسعه در عرصه‌های مختلف نیز گویای به حرکت افتادن و شتاب گرفتن دو جریان موازی بود. از یک سو، نارضایتی نسبت به عدم تطابق طرح‌های توسعه با واقعیت‌های جوامع محلی به گونه‌ای فزاینده گسترش می‌یافت و در سطوح و محافل رسمی و علمی ابراز می‌شد. منتقدان بر این باور بودند که روند توسعه تابع برنامه‌هایی بوده است که «متخصصان بیرونی»^۱ بر پایه شناخت نسبتاً سطحی از واقعیت‌های محلی طراحی کرده‌اند. از سوی دیگر، تجارب گوناگون در نقاط مختلف جهان حاکی از آن بود که توان و ظرفیت مردم برای سهم شدن در فرآیند توسعه به مراتب بیشتر از آن است که قبلاً گمان می‌رفت. مردم محلی به‌عنوان منابع و افراد ذی‌حق و ذی‌صلاح باید به رسمیت شناخته شوند، چراکه از درک و دانشی عمیق و مفصل نسبت به محیط زندگی خود برخوردارند. این دو جریان منجر به پیدایش و گسترش رهیافت‌هایی شد که امکان و شرایط مساعدتری برای درگیر شدن فعال مردم در مراحل و اقدامات توسعه فراهم آورد.

از این رو، مفاهیمی جدید وارد بحث‌های توسعه شد؛ از جمله این بحث‌ها توسعه انسانی، توسعه مشارکتی، توسعه محلی، و توسعه مردم‌محور بود. علاوه بر زمینه‌های فکری پیش‌گفته و تأثیر آن بر غنای نظریه مشارکت، برخی فعالیت‌های عملی نیز در تقویت و بسط این نظریه مؤثر بوده‌اند. مددکاری اجتماعی^۲ و بنیادگرایی اجتماعات^۳ نیز در الهام‌بخشی به نظریه مشارکت بی‌تأثیر نبودند. تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی و اقدامات بانک جهانی در زمینه توسعه

۱- در اینجا، بیرونی (معادل انگلیسی، outsider) به تمامی افراد و گروه‌هایی گفته می‌شود که فعالیت حرفه‌ای آنها بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه تأثیر می‌گذارد، اما زندگی و معیشت خودشان بیرون از آن جامعه تأمین می‌شود.

2. social work

3. community radicalism

مشارکتی و چاپ مقالات و کتاب‌های مرتبط با مشارکت و همچنین، اجرای پروژه‌های توسعه‌ای به شیوه مشارکتی و با تقویت مشارکت و توانمندسازی جوامع محلی از جمله عواملی است که تأثیر بسیار زیادی بر مشارکت داشته است (Ghaffari and Niazi, 2006).

مشارکت پدیده‌ای پیچیده است که به بسیاری از متغیرهای دارای وزن نسبی متفاوت وابسته است. از این رو، برای تبیین آن، از انواع پارادایم‌های جامعه‌شناسی بهره‌گیری شده است. این پارادایم‌ها عبارت‌اند از «واقعیت اجتماعی»، «تعریف اجتماعی» و «رفتار اجتماعی». در پارادایم واقعیت اجتماعی، مشارکت به‌عنوان واقعیتی اجتماعی در اشکال جمعی، انجمنی، گروهی و نهادی عینیت پیدا می‌کند که از منظر کارکردی و ساختاری، در قالب رویکردهای نظری کارکردی-ساختی و تضاد مورد و اکاوی نظری قرار می‌گیرد؛ و از حیث روش‌شناسی نیز با اختیار کردن رویکرد جمع‌گرایی و واقع‌گرایی روش‌شناختی، از طریق به‌کارگیری تبیین‌های کارکردی ساختاری و نظام‌مند، مشارکت به‌عنوان واقعیتی جمعی و در اشکال گروهی، سازمانی، نهادی و ساختاری و با بهره‌گیری از مبین‌ها در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد. از جمله نظریاتی که در این پارادایم مورد توجه قرار گرفته، نظریات دورکیم، پارسونز، لیپست، لرنر، اینگلهارت، کومبز، کالینز و ... بوده است.

در قالب پارادایم تعریف اجتماعی، کنشگر اجتماعی به‌عنوان موجودی فعال و صاحب اراده و اختیار تعریف می‌شود و جهان اجتماعی به‌عنوان واقعیتی خارجی محصول ذهن و اراده و نظام معانی کنشگر اجتماعی پنداشته می‌شود (Ghaffari and Niazi, 2006). صاحب‌نظران این پارادایم بر آزادی عمل کنشگران و شیوه‌های ساخت واقعیت اجتماعی از سوی آنها تأکید دارند. اصول اصلی این پارادایم بر این مبناست که پدیده‌های انسانی متفاوت از پدیده‌های طبیعی هستند. از دیدگاه پارادایم تعریف اجتماعی، رفتار و کنش انسان تابع فرآیند ذهنی و عینی و رابطه متقابل و جدلی (دیالکتیکی) بین آنهاست. کنش متقابل نمادی، پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی و وجودگرایی در چارچوب همین انگاره قرار می‌گیرند. آنها علاقه‌مند به شناخت و تعریف موقعیت خود و تأثیر آن بر کنش‌ها و واکنش‌های بعدی از دیدگاه کنشگران

هستند. در قالب این پارادایم، نظریه‌های تفاهمی همچون نظریه وبر مطرح می‌شود که بر کشف و شناسایی نظام معانی کنشگران اجتماعی تأکید می‌کنند و نیز رویکردهای متأثر از آنها چون رویکرد کنش متقابل نمادی که تأکید بیشتری را بر نقش عاملان کنش در فرآیندهای اجتماعی دارد. در این پارادایم، برای فهم و تفسیر پدیده‌های اجتماعی، شناسایی نظام شخصیت و ویژگی‌های کنشگران از اهمیت زیادی برخوردار است؛ و از این رو، برای تبیین مشارکت، باید به زمینه‌های شناختی، نظام معانی، گرایش و تمایلات افراد توجه شود و مشاهده و تحلیل در سطح «فرد» است. کنش متقابل نمادی مبتنی بر مفروضاتی است که با کمک آنها می‌توان به تحلیل هر نوع کنش اجتماعی همچون «مشارکت» پرداخت. در این پارادایم، نظریات صاحب‌نظرانی همچون ماکس وبر، بلومر، گافمن، گارفینگل و ... مورد توجه واقع شده است.

در حوزه پارادایم رفتار اجتماعی، با علمی روبه‌رو هستیم که مبتنی بر مطالعه رفتار ارگانسیم و علت‌های آن (هم رفتار فردی و هم رفتار گروهی) است. رفتارگرایان به‌طور عمده به دنبال شناخت علمی رفتار هستند. پیش‌فرض آنها این است که رفتار ارگانسیم تابعی است از نیروی شرطی محیط و از این رو، کشف، شناخت و تنظیم قوانین مربوط به رفتار در گرو کشف آن علت‌هاست (یعنی، مطالعه علت‌ها برای شناخت معلول و نه تفسیر یا تبیین مستقیم معلول). آنها بر این باورند که «رفتار» عنصر اساسی است؛ یعنی، در درون مدل‌هایی مبتنی بر پاداش و مجازات پدید می‌آید و آموخته می‌شود. بنابراین، همه علوم به دنبال آنند که رفتارهای واقعی را در حوزه خودشان مطالعه کنند و بدین ترتیب، علم رفتار به مطالعه رابطه ارگانسیم با محیط محاط بر ارگانسیم می‌پردازد. از نظر رفتارگرایان، محیط نسبت به ارگانسیم «خارجی» و متشکل از نیروهایی است که تعدادی از آنها برانگیزاننده‌اند (تقویت‌کننده‌های محیطی) و تعدادی هم منع‌کننده و سرکوبگر و تنبیه‌کننده‌اند (تنبیه‌کننده محیطی). رابرت دال (Dahl, 1985) از جمله نظریه‌پردازان این پارادایم است که در زمینه مشارکت، می‌توان از آرای آنها به‌نوعی استفاده کرد؛ و همین‌طور هم نظریه‌پردازانی چون هومنز، پیتر بلاو و ...

علاوه بر پارادایم‌های عمده جامعه‌شناسی یادشده، به باور نظریه‌پردازان توسعه روستایی، مشارکت تابع عوامل و شرایطی است که از آن میان، می‌توان به شرایط ساختاری و اجتماعی جامعه مشارکت‌کننده و شرایط فردی خود مشارکت‌کنندگان اشاره کرد. از نظر آنها، علل عدم مشارکت عبارت‌اند از: بی‌سوادی و فقدان اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، عادت امتناع از رأی دادن، بدبینی فرد در خصوص کارآیی مشارکت، کمبود وقت و نیز عدم آمادگی مسئولان دولتی برای گفت‌وگو و پذیرش اظهار نظر مردم؛ از این رو، صرف نظر از شرایط اولیه مشارکت مثل سوادآموزی، توسعه فرهنگی و آموزشی، ارتباطات و آموزش مداوم، باید مسئولان دولتی آماده گفت‌وگو درباره امور و پذیرش صادقانه حق اظهار نظر مردم باشند (Gaotri, 1990).

ساموئل موشی (Mushi, 1986)، بر اساس تجارب نهادی کردن مشارکت در کشور تانزانیا، بر این عقیده است که تضمین مشارکت مردمی مستلزم حداقل چهار شرط عمده است که باید هنگام هرگونه کوشش برای نهادی کردن مشارکت عمومی کاملاً در نظر گرفته شوند. این چهار شرط عبارت‌اند از: جهان‌بینی مشارکت (بعد هنجاری)، نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)، اطلاعات کافی و امکانات مادی و تخصص‌های ضروری. به باور وی، باید همه اینها به‌طور یکسان هم در دسترس مسئولان و هم در دسترس توده مردم باشد. چمبرز و کانوی (Chambers and Conway, 1991)، بر این باورند که شرط مشارکت فقرا تغییر نقش بالایی‌ها و سلطه‌گری آنهاست، که این خود مستلزم تغییر در روش‌ها و رفتارها در افراد و سازمان‌های دولتی است.

به نظر نلسون و رایت (and Wtight, 1995)، مشارکت رابطه‌ای تنگاتنگ با قدرت دارد. قدرت هم در زندگی روزمره و هم به‌عنوان جزئی از نظام‌ها تجربه می‌شود. برای نمونه، خانواده در قالب روابط شخصی و رو در روی داخل خانه تجربه می‌شود، ولی این تجربه‌ها بسیار آکنده از جهان‌بینی و برخی از جنبه‌هایی است که از مداخله و کنترل دولت تأثیر می‌پذیرند.

عبیدالله خان (Obidullah Khan, 2006) به عوامل متعددی اشاره می‌کند که در مشارکت مردم تهیدست و روستایی در برنامه‌های توسعه بسیار مؤثرند. این عوامل دربرگیرنده

اعتماد به نفس، الگوی مالکیت زمین، الگوی رهبری محلی، شیوه عمل سازمان‌های محلی، دیوان‌سالاری موجود و وجود نظام برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین است. از این رو، به نظر او، ارتقای مشارکت، در وهله اول، مستلزم کاهش نابرابری در تملک دارایی‌هاست. یاداو (Yadav, 2006) بر این عقیده است که با توجه به نظام‌های اجتماعی موجود، مشارکت فقرا در فرآیند توسعه فرآیندی تدریجی و مستلزم خودآگاهی روستاییان و ایمان و اعتماد آنها به قدرت متحد خود است؛ همچنین، بسیج روستاییان تهدیدست حول محور فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در قالب گروه‌های همگن، داوطلبانه، چندکارکردی، منظم، سازمان‌یافته و دارای رهبری مورد توافق عموم می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت برابر افراد به‌ویژه روستاییان فقیر در توسعه باشد.

او کلی و مارسدن (Oakley and Marsden, 1991)، با ذکر رهیافت‌های گوناگون در زمینه مشارکت که در آنها بر ایجاد سازمان مناسب مشارکتی و توانمندسازی مردم به‌عنوان تسهیل‌کنندگان مشارکت اشاره دارند، بر این باورند که سه مانع مشارکت وجود دارد، که عبارت‌اند از: موانع اجرایی یا عملی (شامل برنامه‌ریزی متمرکز، سازوکارهای ناقص عرضه، ناهماهنگی‌های محلی، نامناسب بودن فناوری، بی‌ربط بودن محتوای مشارکت، فقدان ساختارهای محلی و ...)، موانع فرهنگی (شامل مقاومت در برابر دگرگونی، حاشیه‌نشینی، وابستگی، ظلم، رسوم دست‌وپاگیر، ترس از مخالفت، ضعف درونی روستاییان و ...) و موانع ساختاری (شامل روابط قدرت، ارزش‌های عقیدتی).

به باور میسرا (Misra, 1994)، از مختصات جامعه روستایی وجود الگوهای نابرابر مالکیت زمین است که برآیند آن وجود نوعی وابستگی در میان اعضای جامعه روستایی بوده و این وابستگی مانع مشارکت است. مشارکت مردم در سطوح محلی و منطقه‌ای متأثر از مختصات سیاسی در سطح ملی است. مشارکت در سطوح محلی زمانی امکان‌پذیر است که در سطوح ملی و منطقه‌ای، نمایندگی منافع محلی به‌طور عادلانه وجود داشته باشد. اتخاذ تدابیری

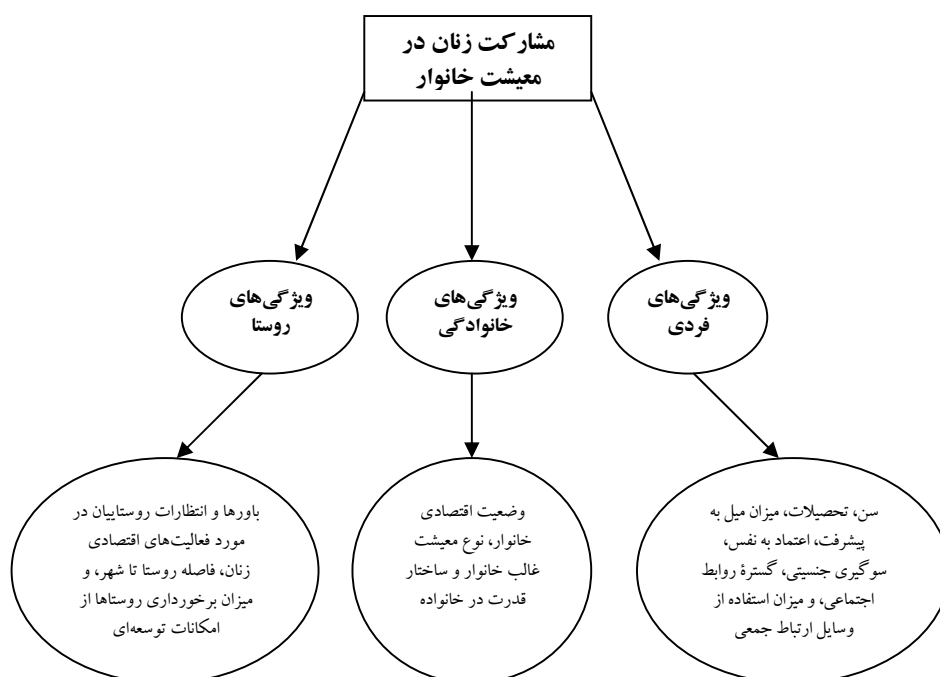
برای تحقق نمایندگی مردمی در سطح محلی و تفویض قدرت تصمیم‌گیری به سطوح محلی می‌تواند بخشی از زمینه‌های مشارکت را تأمین کند.

سالیما عمر (Omar, 2006) براین اعتقاد است که برای تسهیل مشارکت مردمی، تأسیس نهاد غیرمتمرکز از اهمیت زیادی برخوردار است. این نهاد می‌تواند رسمی یا غیررسمی باشد و منظور از غیرمتمرکز نیز این است که این نهادها در سطوحی بسیار نزدیک به مردم عمل کنند و همچنین، مکانی را در اختیار مردم قرار دهند تا درباره مسائل و مشکلات خود بحث کرده، در مورد حل مشکلات تصمیم‌گیری کنند و به برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی بپردازند که نیازها و آرزوهایشان را منعکس می‌کند. به نظر وی، چنین نهادهایی ممکن است به سادگی «کمیته‌های همسایگی» یا به پیچیدگی «بانک تعاونی» باشند.

جمع‌بندی نظریات توسعه روستایی و مشارکت نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر مشارکت دربرگیرنده باورها و ارزش‌های فرهنگی، اعتماد به نفس، سلطه‌گری، ساختار قدرت در خانواده، الگوی نابرابر مالکیت، الگوی رهبری محلی، و میزان آگاهی است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، در ارتباط با مشارکت روستاییان، تحقیقات زیادی انجام شده که در آنها، به عوامل متعددی در سه سطح خرد، میانی و کلان اشاره شده است. در سطح خرد، ویژگی‌های فردی و در سطح میانی، ویژگی‌های خانوادگی و در سطح کلان نیز ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی بر مشارکت تأثیر دارند. این متغیرها در سطح فردی شامل سن، تحصیلات، میزان میل به پیشرفت، اعتماد به نفس، سوگیری جنسیتی^۱، گستره روابط اجتماعی، و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی است؛ در سطح خانواده نیز متغیرهای وضعیت اقتصادی خانوار، نوع معیشت غالب خانوار و ساختار قدرت در خانواده مطرح است؛ و سرانجام، در سطح روستا، متغیرها عبارت‌اند از باورها و انتظارات

۱- سوگیری جنسیتی (کلیشه‌های جنسیتی) به نقش‌ها، رفتارها و تفکراتی گفته می‌شود که عموماً انتظار می‌رود یک جنس در جامعه آنها را ایفا کند و یا چنان ببیند.

روستاییان در مورد فعالیت‌های اقتصادی زنان، فاصله روستا تا شهر، و میزان برخورداری روستاها از امکانات توسعه‌ای. بر این اساس، مدل مفهومی تحقیق در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر پیمایشی و نوع پیمایش نیز تحلیلی-ربطی است. این روش به کشف و شناسایی ویژگی‌ها، فراوانی و توزیع این ویژگی‌ها و نیز چگونگی روابط متقابل بین متغیرها در یک جامعه معین می‌پردازد. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه حضوری مستقیم^۱ با استفاده از پرسشنامه بوده و جامعه آماری مورد مطالعه نیز شامل زنان روستایی ساکن ده روستای واقع در دو شهرستان جاجرم و گرمه از توابع استان خراسان شمالی است که با استفاده از روش

1. In-person- interviews

نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، تعداد مناسب روستا با توجه به نوع معیشت غالب و پارامترهای اقلیمی، انتخاب و برای تعیین حجم نمونه آماری نیز از رابطه کوکران^۱ استفاده شد و حجم نمونه برابر با ۱۶۷ نفر به دست آمد.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، هدف کلی تحقیق حاضر شناسایی میزان مشارکت زنان روستایی در معیشت خانوارهای روستایی و همچنین، شناسایی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر مشارکت آنهاست. بنابراین، متغیر وابسته تحقیق «میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار» بوده که برای سنجش آن، از شاخص‌های متعدد با مقیاس‌های متفاوت استفاده شده است. این شاخص‌ها شامل سهم زنان روستایی در انجام فعالیت‌های مختلف معیشتی خانوار (زراعت، باغداری، دام، طیور، صنایع دستی و سایر فعالیت‌های درآمدزا)، سهم زنان روستایی در ایجاد فرصت‌های معیشتی جدید خانوار، میزان حضور زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های معیشتی خانوار، میزان برخورداری زنان روستایی از عواید و دارایی‌های معیشتی خانوار و سهم زنان روستایی در راهبردهای معیشتی خانوار (مقابله با تنش‌ها و تکانه‌های معیشتی). شاخص‌های یادشده با بهره‌گیری از سؤالات متعدد سنجیده شد. ابعاد و معرف‌های میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار روستایی در جدول ۲ آمده است.

شایان یادآوری است که با توجه به تعدد سطوح سنجش سؤالات، نخست، یکسان‌سازی سطح سنجش صورت گرفت و سپس، میزان مشارکت در پنج سطح خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد و همچنین، سیزده متغیر مستقل تحقیق در سه سطح فردی، خانوادگی و روستا دسته‌بندی شدند. متغیرهای مستقل در سطح فردی شامل سن، تحصیلات، میزان میل به پیشرفت، اعتماد به نفس، سوگیری جنسیتی، گستره روابط اجتماعی، و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و در سطح خانواده نیز شامل وضعیت اقتصادی خانوار، نوع معیشت غالب خانوار و ساختار قدرت در

۱- در رابطه کوکران، مقدار d برابر با $0/072$ در نظر گرفته شد، که این مقدار با استفاده از تحقیقات پیشین در ارتباط با موضوع مورد بررسی تعیین شد.

خانواده و سرانجام، در سطح روستا، شامل: باورها و انتظارات روستاییان در مورد فعالیت‌های اقتصادی زنان، فاصله روستا تا شهر، و میزان برخورداری روستاها از امکانات توسعه‌ای است.

جدول ۲- ابعاد و معرف‌های سنجش میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار روستایی

ابعاد	معرف‌ها	سطوح سنجش
سهم زنان روستایی در انجام فعالیت‌های مختلف معیشتی خانوار	فعالیت‌های زراعی	درصد انجام فعالیت
	فعالیت‌های باغی	در مقایسه با سایر
	فعالیت‌های دامی	افراد خانوار
	فعالیت‌های صنایع دستی	
سهم زنان روستایی در تأمین درآمدهای معیشتی خانوار	سایر فعالیت‌های درآمدزا	
	درآمد حاصل از فعالیت‌های زراعی	درصد نقش در
	درآمد حاصل از فعالیت‌های باغی	درآمدزایی در
	درآمد حاصل از فعالیت‌های دامی	مقایسه با سایر افراد خانوار
سهم زنان روستایی در ایجاد فرصت‌های معیشتی جدید خانوار	درآمد حاصل از فعالیت‌های صنایع دستی	طیف لیکرت
	درآمد حاصل از سایر فعالیت‌های درآمدزا	طیف لیکرت
سهم زنان روستایی در راهبردهای معیشتی خانوار (مقابله با تنش‌ها و تکانه‌های معیشتی)	میزان نقش زن در ایجاد فرصت‌های جدید درآمدی خانوار	طیف لیکرت
	میزان تأثیر این فرصت‌ها در بهبود وضعیت اقتصادی خانوار	طیف لیکرت
میزان حضور زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های معیشتی خانوار	میزان نقش در فائق آمدن مشکلات اقتصادی خانوار	طیف لیکرت
	میزان نقش در نوع استراتژی‌های تاب‌آوری معیشتی خانوار	
	تصمیم‌گیری فعالیت‌های کشاورزی	
	تصمیم‌گیری فعالیت‌های دامی	
میزان برخورداری زنان روستایی از عواید و دارایی‌های معیشتی خانوار	تصمیم‌گیری فعالیت‌های صنایع دستی	
	تصمیم‌گیری سایر فعالیت‌های اقتصادی	
	دخل و خرج زندگی	هکتار
	زمین	متر مربع
میزان برخورداری زنان روستایی از عواید و دارایی‌های معیشتی خانوار	ملک	رأس
	دام	تومان
	ماشین	طیف لیکرت
	زیورآلات	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار روستایی، از آزمون همبستگی اسپیرمن برای متغیرهای رتبه‌ای، از آزمون‌های پیرسون و تحلیل میانگین برای متغیرهای دارای سطح سنجش فاصله‌ای و از آزمون کای‌اسکوئر برای متغیرهای دارای سطح سنجش اسمی بهره گرفته شد. همچنین، برای تعیین میزان تأثیر هر کدام از متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار روستایی، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. لازم به ذکر است که تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت.

نتایج و بحث

با توجه به نتایج تحقیق، متوسط میزان سهم زنان روستایی در انجام فعالیت‌های زراعی خانوار معادل ۱۸/۴ درصد بوده که در بین فعالیت‌های مختلف زراعی، بیشترین میزان حضور زنان روستایی مربوط به برداشت و جمع‌آوری محصولات زراعی از قبیل حبوبات، صیفی‌جات و محصولات جالیزی است. به لحاظ محصولات باغی نیز به‌طور متوسط، ۴۳/۲ درصد فعالیت‌های مربوط به باغداری توسط زنان روستایی انجام می‌شود. بیشترین نقش زنان در فعالیت‌های باغداری مربوط به چیدن محصول (پنجاه درصد)، فرآوری محصولات باغی (۳۴ درصد)، بسته‌بندی (۲۹/۶ درصد) و مراقبت از محصولات کشاورزی (۲۶/۹ درصد) است. مطابق یافته‌های تحقیق، در زمینه دام سنگین، حدود ۴۱/۱ درصد، دام سبک حدود ۳۹/۲ درصد و طیور نیز ۷۲ درصد فعالیت‌ها توسط زنان روستایی انجام می‌شود. همچنین، حدود ۱۹/۵ درصد فعالیت‌های صنایع دستی خانوار توسط زنان روستایی انجام می‌گیرد. دیگر فعالیت‌های درآمد زای زنان روستایی شامل مغازه‌داری، آرایشگری، آموزش، پرورش بوقلمون، کارگری کشاورزی، پرورش قارچ، کارمندی، نوغان‌داری و فروش لباس در روستاست.

نتایج آزمون همبستگی متغیرهای تحقیق با میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار روستایی در جدول ۳ آمده است. بر اساس این نتایج، متغیرهای سن، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان میل به پیشرفت، میزان سوگیری جنسیتی فرد، نوع معیشت غالب خانوار،

میزان برخورداری روستا از امکانات توسعه‌ای و میزان فاصله روستا تا شهر دارای رابطه معنی‌دار با میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار روستایی است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، رابطه متغیرهای میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان سوگیری جنسیتی فرد، میزان برخورداری روستا از امکانات توسعه‌ای و میزان فاصله روستا تا شهر با میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار روستایی منفی به‌دست آمده، در حالی که رابطه سایر متغیرها با آن مثبت است.

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای تحقیق و میزان مشارکت زنان در معیشت

خانوار روستایی

نتیجه	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	نوع آزمون	سطح سنجش	متغیر
تأیید	۰/۰۰۴	-۰/۲۲۲	پیرسون	فاصله‌ای	سن
رد	۰/۰۸۱	-۰/۲۹۸	اسپیرمن	ترتیبی-فاصله‌ای	میزان تحصیلات
تأیید	۰/۰۲۴	-۰/۱۷۵	پیرسون	فاصله‌ای	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی
رد	۰/۷۶۷	۰/۰۲۳	پیرسون	فاصله‌ای	میزان اعتماد به نفس
تأیید	۰/۰۰۴	۰/۲۲۳	پیرسون	فاصله‌ای	میزان میل به پیشرفت
رد	۰/۷۲۵	-۰/۰۲۷	پیرسون	فاصله‌ای	گستره روابط اجتماعی
رد	۰/۱۳۴	۰/۰۸۴	پیرسون	فاصله‌ای	وضعیت اقتصادی خانواده
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۵	پیرسون	فاصله‌ای	میزان سوگیری جنسیتی فرد
رد	۰/۶۲۷	۰/۰۳۸	پیرسون	فاصله‌ای	میزان سوگیری جنسیتی روستا
تأیید	۰/۰۰۰	۴۲/۶۳	کای اسکوتر	اسمی-ترتیبی	نوع معیشت غالب خانوار
رد	۰/۴۴۸	۰/۰۵۹	پیرسون	فاصله‌ای	میزان مردسالاری
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۰	اسپیرمن	ترتیبی-ترتیبی	میزان برخورداری روستا از امکانات توسعه‌ای
تأیید	۰/۰۰۲	-۰/۲۳۷	پیرسون	فاصله‌ای	میزان فاصله روستا تا شهر

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برای تحلیل دقیق‌تر موضوع، از رگرسیون چندگانه استفاده شد؛ بر اساس نتایج حاصل از آن، ضریب تعیین معادل ۴۴ درصد به‌دست آمد، گویای آنکه حدود ۴۴ درصد تغییرات در میزان مشارکت زنان در معیشت توسط متغیرهای مستقل مورد بررسی توضیح داده شده است.

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت زنان در.....

نتایج بیانگر آن است که متغیرهای فاصله، سن، میزان تحصیلات، میزان سوگیری جنسیتی فرد، میزان میل به پیشرفت، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، وضعیت اقتصادی، و میزان برخورداری روستاها از امکانات توسعه‌ای تأثیر معنی‌دار بر میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار روستایی دارند. تأثیر سایر متغیرها بر میزان مشارکت زنان در معیشت خانوار روستایی معنی‌دار نیست.

جدول ۴- نتایج برآورد رگرسیون چندگانه

متغیر	ضرایب		خطای معیار	B	معنی‌داری
	ضرایب استاندارد (β)	آماره t			
ضریب ثابت	-	۷/۱۴۴	۰/۵۲۰	۳/۷۱۷	۰/۰۰۰
فاصله	-۰/۱۶۰	-۲/۰۱۶	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۴	۰/۰۴۶
میزان تحصیلات	-۰/۱۴۹	-۱/۶۸۲	۰/۰۳۳	-۰/۰۵۶	۰/۰۹۵
نوع معیشت غالب خانوار	-۰/۰۸۱	-۱/۰۶۵	۰/۰۴۸	-۰/۰۵۱	۰/۲۸۸
میزان سوگیری جنسیتی فرد	-۰/۱۲۸	-۱/۸۱۳	۰/۰۶۱	-۰/۱۱۰	۰/۰۵۲
میزان سوگیری جنسیتی روستا	۰/۰۵۷	-۰/۸۰۰	۰/۰۷۶	-۰/۰۶۰	۰/۴۲۵
گستره روابط اجتماعی	۰/۰۸۹	۱/۱۶۸	۰/۰۸۳	-۰/۰۹۶	۰/۲۴۵
میزان میل به پیشرفت	۰/۳۴۱	۴/۹۰۹	۰/۰۶۸	۰/۳۳۵	۰/۰۰۰
میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی	-۰/۲۴۹	-۳/۷۱۳	۰/۰۵۱	-۰/۱۹۰	۰/۰۰۰
میزان اعتماد به نفس	۰/۰۴۲	۰/۶۱۷	۰/۰۹۳	۰/۰۵۷	۰/۵۳۸
وضعیت اقتصادی	۰/۲۰۵	۲/۹۹۳	۰/۰۰۰	۳/۹۳۱	۰/۰۰۳
میزان مردسالاری	۰/۰۸۴	۱/۱۸۰	۰/۰۶۷	۰/۰۷۹	۰/۲۴۰
میزان برخورداری روستاها از امکانات توسعه‌ای	-۰/۲۹۷	-۳/۶۶۲	۰/۰۶۶	-۰/۲۴۰	۰/۰۰۰
سن	-۰/۳۴۴	-۴/۷۶۳	۰/۰۰۵	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج، سن، میزان میل به پیشرفت، میزان برخورداری روستاها از امکانات توسعه‌ای، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، وضعیت اقتصادی خانوار و فاصله روستا تا شهر، به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت زنان روستایی در معیشت خانوار دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که سهم زنان روستایی در معیشت خانوارهای مورد مطالعه به‌ویژه فعالیت‌های دامداری و کشاورزی قابل ملاحظه است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های حمایتی دولت در زمینه توسعه فعالیت‌های کشاورزی با رویکرد توجه به زنان روستایی مد نظر قرار گیرد؛ به دیگر سخن، در برنامه‌های توانمندسازی و ترویجی، زنان روستایی نیز به‌عنوان گروه هدف مد نظر قرار گیرند.

با توجه به نقش مؤثر زنان روستایی در غلبه بر مشکلات اقتصادی خانوار و انجام مشاغل خانگی مثل خیاطی، گلدوزی، آرایشگری، و فرآوری محصولات لبنی، لازم است که در راستای بهبود این فعالیت‌ها، برنامه‌های توانمندسازی ویژه زنان روستایی در دستور کار نهادهای دست‌اندرکار توسعه روستایی قرار گیرد.

از آنجا که گذشته از فعالیت‌های روزمره کشاورزی، دامداری و صنایع دستی، دیگر فعالیت‌های درآمدزای زنان روستایی شامل آرایشگری، پرورش بوقلمون، پرورش قارچ و نوغان‌داری در روستا نیز قابل ملاحظه است و ۷۶/۱ درصد این گونه فعالیت‌ها توسط زنان انجام می‌گیرد که حدود ۲۲/۲ درصد درآمد خانوار را تشکیل می‌دهد، با توجه به گسترش این گونه فعالیت‌ها به‌عنوان فعالیت‌های اشتغال‌زا و نقش آن در بهبود وضع معیشتی خانوارهای روستایی، پیشنهاد می‌شود که حمایت اعتباری دولت برای توسعه اشتغال در مناطق روستایی در این گونه فعالیت‌ها در اولویت قرار گیرد.

نتایج به‌دست‌آمده حاکی از نقش کم‌رنگ زنان تحصیل‌کرده در معیشت کشاورزی و دامداری خانوارهای مورد مطالعه است. از آنجا که تقویت نقش افراد تحصیل‌کرده در

فعالیت‌های معیشتی خانوارهای روستایی به‌ویژه معیشت کشاورزی از اهمیت زیادی برخوردار است، شایسته است اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای به‌کارگیری این افراد در توسعه فعالیت‌های معیشتی مد نظر برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران توسعه روستایی قرار گیرد.

با افزایش سن، میزان مشارکت زنان در معیشت خانوارهای روستایی کاهش یافته و از این‌رو، بخش زیادی از معیشت خانوارهای روستایی وابسته به ایفای نقش افراد جوان در مناطق روستایی است. بنابراین، قشر جوان نیازمند حمایت‌های متعدد دولت در زمینه متشکل‌سازی، آموزش و مهارت‌افزایی آنهاست، که لازم است دست‌اندرکاران توسعه روستایی بدین مقوله توجه ویژه داشته باشند.

با توجه به بالا بودن میزان سوگیری جنسیتی در بین زنان روستایی مورد مطالعه و تأثیر آن بر معیشت خانوارهای روستایی، پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌های فرهنگی و اطلاع‌رسانی جامعه (برنامه‌های صدا و سیما و برنامه‌های فرهنگی محلی) این نکته مورد عنایت قرار گیرد. در این زمینه، تأکید بر توانایی‌های فردی در احراز مشاغل و زدودن باورهای نادرست در مورد نوع مشاغل صرفاً زنانه یا مردانه در روستاها از اهمیت زیادی برخوردار است.

با توجه به رابطه معنی‌دار بین میزان برخورداری روستاها از امکانات توسعه‌ای و میزان مشارکت زنان روستایی در معیشت خانوار و این واقعیت که در روستاهای با امکانات توسعه‌ای کمتر، زنان نقش بیشتری در معیشت خانوار روستایی ایفا می‌کنند، پیشنهاد می‌شود که در این روستاها، در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی، زنان مورد توجه بیشتر و در اولویت قرار گیرند.

در تحقیق حاضر، به‌دلیل محدودیت زمان و امکانات، بسیاری از دیگر عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در معیشت خانوارهای روستایی بررسی نشده و همچنین؛ مقایسه‌ای میان نقش زنان و مردان در معیشت خانوار صورت نگرفته است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که این نکات در تحقیقات آتی در اولویت قرار گیرد.

منابع

1. Alghanmi, M.R. (1993). Rural poverty crisis, Can cooperation eliminate it? Translated by N. Oktai. Rural Research Center, Ministry of Construction Jihad. *Village and Development*, Vol. 5. (Persian)
2. Anyoha, N.O. (2011). Factors influencing rural women's participation in development programs in Rivers State, Nigeria: key for social exclusion elimination. *Journal of Community Mobilization and Sustainable Development*, 6(1): 31-36.
3. Birikti, G. and Michael, T. and Haimanot (2014). An assessment of factors affecting participation of women in management position: the case of Ethio Telecom Company. Post Graduate Program, College of Business and Economics, Department of Public Administration and Development Management (PADM), Addis Ababa University.
4. Boyle, P.J. (1995). Planning in development process. Translated by Gh. Ahmadi and S. Shahabi. Tehtan: Qoqnoos. (Persian)
5. Chambers, R. and Conway, G. (1991). Sustainable livelihoods: practical concepts for the 21st century. IDS Discussion Paper 296. IDS Brighton.
6. Dahl, R.A. (1985). Modern political analysis. Translated by H. Zafarian. Tehran: Hossein Zafarian. (Persian)
7. Dallakyan, A. and Bakhtavoryan, R. (2012). Analysis of factors impacting women's labor force participation in Armenia. Center for Gender and Leadership Studies, Arizona State University.
8. Effati, M. (1995). Gender and development. Tehran: Ministry of Agriculture-Jahad, Agricultural Planning, Economics and Rural Development Research Institute (APERDRI). (Persian)
9. Fanni, S. (1997). Structure of women's cooperation in agriculture. Contribution to the National Seminar on Women, Participation and the Agriculture in 2021, Agricultural Planning and Economic Research Institute (APERI), Tehran, pp. 119-136. (Persian)
10. Gaotri, H. (1986). Popular Participation in Development. UNICCO, Paris. Translated by H. Ghebraei and D. Tabaei. Tehran: Ravesh Publication. (Persian)
11. Ghaderzadeh, O. and Yousefvand, H. (2012). Sociological factors affecting the women's civic participation. *Women in Development and Politics*, 10(4): 101-126. (Persian)
12. Ghaffari, Gh. and Niazi, M. (2006). Sociology of participation. Tehran: Nazdik. (Persian)
13. Ghanbari, Y., Hajjarian, A., Ansari, R. and Kiani, F. (2012). Encouraging and discouraging factors for rural women's participation in agricultural activities (case study: Fereidoonshahr County). *Research and Rural Planning*, 1(2): 71-87. (Persian)

14. Jebessa, U.G., Amentie, Ch., Kaushik, K.K. and Akessa, G.M. (2015). Assessment of factors affecting women participation in managerial positions in selected public organizations in Jimma Zone, Oromia, Ethiopia. *Global Journals Inc. (US)*, 15(4): 70-79.
15. Lahsaeizadeh, A., Jahangiri, J. and Khajenoori, B. (2005). Rural women economic participation: a case study of the Fars province. *Iranian Journal of Sociology*, 6(3): 124-145. (Persian)
16. Misra, R.P. (1994). Discussions on rural development. *Jahad Journal*, No. 115. (Persian)
17. Mohseni Tabrizi, A., Aghajani, H. and Azizkhani, E. (2016). Sociological explanation of different forms of participation among citizens of Khalkhal city and its effective factors. *Urban Sociological Studies*, 6(19): 1-32. (Persian)
18. Mushi, S. (1986). Institutionalization of popular participation. In: *Participation in World Development*. Paris: Enesco.
19. Nelson, N. and Wright, S. (1995). *Power and participatory development: theory and practice*. London: ITDG Publication.
20. Noroozi, F and Bakhtiari, M. (2009). Social participation and its effective factors. *Scientific Research Journal of Rahbord*, 18(53): 249-269. (Persian)
21. Oakley, P. and Marsden, D. (1991). *Approaches to participation in rural development*. Translated by M. Mohammadnejad. Tehran: Center of Research and Rural Issues. (Persian)
22. Obidullah Khan, A.Z.M. (2006). *Participatory development: the need for structural reform and people's organization, local level planning and rural development: alternative strategies*. Translated by A. Mokhber. Tehran: Management and Planning Organization of Iran. (Persian)
23. Omar, S. (2006). *Participatory democracy, institute building and social development; Local level planning and rural development: alternative strategies*. Translated by A. Mokhber. Tehran: Management and Planning Organization of Iran. (Persian)
24. Shaditalab, J. and Kamali, A. (2002). Women social participation. *Women in Development and Politics*, 1(4): 26-52. (Persian)
25. Singh, S., Kushwah, S., Singh, V.B. and Daipuria, O.P. (2015). Factor affecting the participation of rural women in agricultural activities. *Indian Research Journal of Extension Education*, 15(1): 81-83.
26. Yadav, R.P. (2006). *People participation: focus on mobilization of the rural poor; Local level planning and rural development: alternative strategies*. Translated by A. Mokhber. Tehran: Management and Planning Organization of Iran. (Persian)